



## تحلیل مولفه‌های کالبدی تاثیرگذار بر شکل‌گیری احساس تعلق به مکان در مجتمع‌های مسکونی شهر رشت (نمونه موردی: مجتمع الغدير، مجتمع ابريشم، مجتمع تک ماسوله)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۶/۱۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۲۵

نیلوفر جنت‌پور

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، ایران. [niljamatpour@yahoo.com](mailto:niljamatpour@yahoo.com)

امیررضا کریمی‌آذری

دانشیار، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، ایران. (مسئول مکاتبات)

[Amirreza\\_karimiazeri@guilan.ac.ir](mailto:Amirreza_karimiazeri@guilan.ac.ir)

### چکیده

**مقدمه و هدف پژوهش:** احساس تعلق به مکان، سبب شکل‌گیری پایگاه وجودی در افراد می‌گردد و دارای درجات متفاوتی در ابعاد اجتماعی و کالبدی است. هدف پژوهش حاضر دسته‌بندی عوامل کالبدی موثر بر شکل‌گیری این احساس، در مجتمع مسکونی است.

**روش پژوهش:** رویکرد این پژوهش، تحلیلی توصیفی بوده و از ابزار مصاحبه در پیشبرد اهداف استفاده شده است. برای پاسخ به این مهم، سه مجموعه مسکونی الغدير، ابريشم و تک ماسوله در شهر رشت انتخاب و با روش بررسی‌های اسنادی و میدانی، دیدگاه متفاوت ساکنین این مجتمع‌ها طی پرسشنامه‌هایی در حیطه عناصر کالبدی حس تعلق به مکان جمع‌آوری گردید و در نهایت با نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. با توجه به نامحدود بودن جامعه، تعداد حجم نمونه براساس فرمول حجم بهینه کوکران، برابر با ۳۸۴ نفر به دست آمد. سپس، پرسشنامه اصلی با ۳۵ سؤال بین ۳۹۰ نمونه اجرائی شد.

**یافته‌ها:** نتایج حاصل از یافته‌ها حاکی از این امر است که راهبردهای کالبدی در طراحی محیطی مانند: وضوح کالبدی، تنوع عملکردی، فضاهای خاطره‌انگیز جمعی، مبلمان شهری و فضای سبز به ترتیب با ضرایب ۰/۱۱۹، ۰/۱۹۳، ۰/۰۸۴ و ۰/۰۸۷.

**نتیجه‌گیری:** سطح معنا داری کمتر از ۰/۰۵ همبستگی مستقیم با افزایش احساس تعلق به مکان دارند.

**واژگان کلیدی:** حس تعلق؛ مولفه‌های کالبدی؛ مکان؛ مجتمع مسکونی؛ شهر رشت

## مقدمه

آثار معماری با قرار گیری در کنار یکدیگر سبب شکل گیری کلیتی می گردند که دارای معنایی خاص می باشد؛ این جنبه معنایی در شکل دهی به زندگی بشر امروز دارای اهمیت بالایی بوده؛ چنانکه، انکار این جنبه ها در مکان سبب شکل گیری فضا به معنای صرف و تعمیم بحران بی مکانی در جهان خواهد شد (احمدی و مهدوی، ۱۳۹۳: ۸۲۸). معنا در فضا به شکل گیری نقاط مشترک میان فرد و اجتماع می انجامد و در نتیجه پیوندی ناگسستنی در میان افراد جامعه شکل می گیرد که سبب می شود تا فرد نسبت به محل زندگی خود و افرادی که در کنار آنها زندگی می کند؛ احساس مسئولیتی عمیق داشته باشد (نقی زاده و محتشم امیری، ۱۳۹۴: ۷۰) به دیگر سخن، سرنوشت محیط اطراف هر شخص برایش مهم جلوه کند و در پی سامان و تحول آن در جهت بهبود برآید. امروزه، ساخت و سازهای جدید بدون در نظر گرفتن کیفیت های موثر در زندگی انسان ها، سبب شکل گیری خانه به عنوان محصول و نه فرایند شده است (لک و غلامپور، ۱۳۹۳: ۳۸). بر این اساس، حرکت جهان به سمت فردیت سبب شده تا موضوع احساس تعلق فرد به مکان زندگی، یک نمونه حائز اهمیت به شمار می رود (حیدری و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۶؛ پاکزاد و گلرخ، ۱۳۹۴: ۶۷).

مکان بخشی از فضای ساخته شده است که در نتیجه روابط میان: رفتار انسان ها، مفاهیم و معانی و مشخصات کالبدی شکل می گیرد (NikMohammad et al., 2013: 508؛ رفیعیان و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۸). با توجه به اهمیت تعلق به مکان در هرم نیازهای مازلو (نقره کار و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۳) و تاثیر آن در شکل گیری کیفیات مکان، می بایست بر عوامل شکل دهنده احساس تعلق به مکان بیش از پیش توجه گردد (راپاپورت، ۱۳۹۲: ۱۱۴)؛ تا محیطی با کیفیت شکل گیرد (معروفی و انصاری، ۱۳۹۳: ۴۱). در حوزه احساس تعلق به مکان مطالعات بسیاری بر روی عوامل شکل دهنده این احساس، ارتباط میان رضایتمندی و حس تعلق (بهرام پور ومدیری، ۱۳۹۴: ۸۶)، عوامل جنسیتی (ملکی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۰۰)، اجتماعی (دویران و کریمی نژاد، ۱۳۹۱: ۸۲) و... صورت پذیرفته است لیکن تحقیقاتی در مورد تاثیر گذاری عوامل محیطی (کالبدی) در شکل گیری احساس تعلق به مکان در مجتمع های مسکونی نسبت به سایر عوامل کمتر مورد بررسی قرار گرفته است.

این عوامل انگیزه ای برای انجام پژوهش با محوریت احساس تعلق به مکان گردیدند؛ لذا هدف این تحقیق، کشف فاکتورهای موثر در شکل گیری احساس تعلق، در مجتمع مسکونی و اهمیت حضور این فاکتورها در بهبود کیفیت مکان زیستی قرار گرفت. پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که، آیا می توان با طراحی محیطی مناسب، باعث افزایش احساس تعلق در مجتمع های مسکونی شد؟ این تحقیق بدنبال راستی آزمایی فرضیه: به نظر می رسد با توجه به تنگناها و نارسایی های طراحی شهری و مجتمع های مسکونی، به کار بستن راهبردهای معمارانه در شکل گیری حس مکان و افزایش احساس تعلق به مکان، مانند وضوح کالبدی، تنوع عملگری، فضاهای خاطره انگیز، نماد و نشانه ها، مبلمان شهری و فضای سبز قادر باشند؛ احساس تعلق به مکان را در مجتمع های مسکونی بالا برده و در افزایش احساس تعلق در این مناطق مؤثر باشند؛ می باشد. بر این اساس، پژوهش پیش رو بدنبال مجموعه ای مسکونی در سطح شهر رشت بود که، دارای فضای جمعی سبز در سطوح عمومی و نیمه عمومی باشد؛ از حیث نظارت دارای مجموعه نگهدارنده باشد و با توجه به فضای نمونه گیری دارای بیش از ۲۰۰ واحد مسکونی باشد؛ که ساکنین آن به طورت دائم در مجموعه سکونت داشته باشند. در همین راستا مجموعه های الغدیر، ۵۰۰ واحدی، تک ماسوله ۴۴ واحدی و ابریشم در ۷ فاز واقع در بزرگراه خرمشهر شهر رشت به عنوان نمونه موردی برگزیده شد، تا از حیث محدوده جغرافیایی به هم نزدیک باشند و ویژگی های فرهنگی و اقتصادی خانواده ها در سطحی نزدیک به هم قرار داشته باشند.

## بررسی ادبیات موضوع

## ۱- معنای احساس تعلق به مکان

حس تعلق به مکان شامل جنبه ای بالاتر از حس مکان می باشد (خدادادی و شریف زاده، ۱۳۹۵: ۶۵). بر این اساس انسان خود را جزئی از مکان دانسته و براساس تجربه های خود از نشانه ها، معانی و عملکردها نقشی برای مکان در ذهن خود متصور سازد (حیدری و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۶). در حال حاضر اتفاق نظری بر روی اینکه آیا حس تعلق یک فاکتور مستقل، به شمار می آید یا فاکتوری وابسته به سایر عوامل همچون حس مکان است؛ وجود ندارد (Hernandez et al., 2013). حس تعلق به عوامل متعددی چون: مقدار تماس افراد با مکان، اندازه، بافت، محل قرارگیری مکان و تامین امنیت افراد

در مکان، (Anton & Lawrence, 2014) امکانات تفریحی و فضای سبز وابسته است ( Kyle et al., 2005). همچنین داده‌ها نشان داده اند که امکانات محیطی و کالبدی در ارتقای حس تعلق در مکان تاثیر گذارند (Bricker & Kerstetter, 2005).

## ۲- رویکردهای پدیدار شناختی و روانشناختی در ارتباط با احساس تعلق

در دیدگاه پدیدار شناسی، حس تعلق به معنی رابطه هم پیوندی میان انسان و محیط است (قاسمی، ۱۳۹۴: ۷۵). هویت مکان از ارزش‌های فردی و جمعی نشات می‌گیرد و با گذر زمان عمق، گسترش و تغییر می‌یابد (کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲: ۴۴). مکان، بخشی از یک فضا است که از طریق عواملی که در آن قرار دارد؛ هویت می‌گیرد (حیدری و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۶). رابطه ای متقابل میان سه عامل رفتار انسانی، مفاهیم و مشخصات فیزیکی باعث ایجاد مکان می‌شود (بهرام پور و مدیری، ۱۳۹۴: ۸۶). در دیدگاه رلف<sup>۱</sup> ماهیت مکان، نوعی تجربه و ادراک مکانی از گفتمان قلمرو کالبدی داخل و بیرون است؛ که آن را جزئی از هویت فردی ناشی از هویت مکان می‌داند (Carmona, 2006). هایدگر<sup>۲</sup> معتقد است که معمار با ایجاد مکان، فرصتی به بنا می‌دهد که در ارتباط و تعامل با انسان قرار گیرد. اگر انسان نسبت به مکان حس تعلق پیدا کند، آنگاه می‌تواند آن را به ذهن بسپارد و در نهایت به آن نزدیک شود (صافیان، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

در رویکرد روانشناسی، احساس تعلق به مکان، عامل مهم نیازهای انسانی شناخته شده است. بر این اساس ضروری است که در ابتدا نیازهای جسمی و روانی انسان به نحوی صحیح شناخته شوند (حیدری و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۷). برای پاسخگویی به این نیاز هرم مازلو، حس تعلق را برگرفته از نوعی نیاز اجتماعی بودن انسان می‌داند. براساس نظریه لینیچ<sup>۳</sup> ابعاد ذهنی مردم استفاده کننده از شهر، بیانگر وجوه مختلف از ماهیت حس تعلق انسانی نسبت به فضا می‌باشد که انسان فضا را براساس نیازهای اساسی خود تعبیر کرده و براساس شایستگی‌ها و انگیزش‌های خود معنای خاص تعلق خود را از محیط استنباط می‌کند (لینیچ، ۱۳۷۶). راپاپورت<sup>۴</sup>، مکان را به صورت مجموعه ای از سمبل‌های فرهنگی - اجتماعی معرفی می‌نماید (مهدوی نژاد و پور فتح الله، ۱۳۹۴: ۱۳۳).

۳- عوامل ایجاد کننده احساس تعلق به مکان مطابق (جدول ۱) گوستافسون<sup>۵</sup> (۲۰۰۱)، از تعامل میان سه قطب فرد، دیگران و محیط به عنوان چهارچوب نظری در شکل‌گیری معنا در محیط یاد می‌کند (احمدی و مهدوی، ۱۳۹۳: ۸۳۴).

جدول ۱: عوامل مؤثر بر حس تعلق به مکان.

فرد	دیگران	عوامل ادراکی - شناختی
عوامل مؤثر بر حس تعلق به مکان	محیط	عوامل اجتماعی - فرهنگی

(صدریان و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۸).

با توجه به ادبیات موضوع و تاثیر کالبد معماری بر احساس تعلق، اصول طراحی مناسب برای فضای داخلی و خارجی مجتمع‌های مسکونی که عمده زمان حضور افراد در آن می‌باشد، بسیار ضروری به نظر می‌رسد. بر این مبنا (جدول ۲) تدوین گردید.

## ۴- جمع بندی و استخراج چهارچوب نظری تحقیق

به طور کلی حس تعلق به مکان در دو دیدگاه پدیدار شناسی و روانشناسی محیط مورد سنجش قرار گرفته است. در این پژوهش براساس دیدگاه روانشناسان محیط و دسته بندی عوامل تاثیرگذار در شکل‌گیری احساس تعلق به مکان: تعلق اجتماعی و تعلق کالبدی به مکان شناخته شده اند؛ که تعلق کالبدی به مکان برگرفته از متغیرهای فردی (روانی) و متغیرهای کالبدی (محیطی) می‌باشد. با توجه به تاکید محققین بر عوامل کالبدی، در شکل‌گیری حس تعلق، رویکرد این پژوهش بررسی عوامل کالبدی و عوامل روانی و رابطه ی این دو عامل، نسبت به هم در زمینه ی شکل‌گیری احساس تعلق به مکان می‌باشد. در این مرحله مطابق (جدول ۳)، با ۳ تن از متخصصان حوزه روانشناسی محیط و ۳ تن از متخصصان حوزه معماری بوسیله ی مصاحبه ی نیمه ساختار یافته، نظر سنجی بعمل آمد و متغیرهای تاثیر گذار در شکل‌گیری احساس تعلق مورد بازبینی قرار گرفت.

جدول ۳ عوامل منتخب دسته بندی شده نهایی.

سپس، بر اساس مرور ادبیات موضوع و مصاحبه ی نیمه ساختار یافته با چند تن از متخصصین حوزه ی روانشناسی محیط و معماری، متغیرهای تأثیر گذار در حوزه ی شکل‌گیری احساس تعلق، شناسایی و با جمع بندی نظر آن‌ها، متغیرهای مؤثر در افزایش احساس تعلق به مکان انتخاب گردید و چهارچوب نظری پژوهش طبق (جدول ۴) تشکیل شد.

جدول ۲: عوامل تاثیر گذار بر حس تعلق

ردیف	عوامل تاثیر گذار بر حس تعلق	منبع
۱	تراکم و تعداد طبقات	(کشفی و دیگران، ۱۳۹۱)
۲	تعادل بین فضای باز و ساخته شده	(لوپکا، ۲۰۱۱)
۳	هویت، نشانه‌ها، نمادهای تاریخی، نمادهای فرهنگی و نمادهای طبیعی	(بهرام پور و مدیری، ۱۳۹۴)
۴	شفافیت	(قاسمی، ۱۳۹۴)
۵	رضایت و خشنودی، تساوی در استفاده از عرصه‌های عمومی محله	(رفعیان و دیگران، ۱۳۸۹)
۶	سرزندگی و کیفیت بصری	(Ge & Hakao, 2006)
۷	دسترسی	(زبردست و بنی عامریان، ۱۳۸۹)
۸	کیفیت کالبدی و امکانات	(Ujang, 2010)
۹	تعمیر، نگهداری و تغییر در کالبد	(English partner ships, 2014)
۱۰	امنیت، خوانایی، عرصه بندی، نظارت محله	(نیومن، ۱۳۸۷)
۱۱	وضوح کالبدی، تداعی معانی	(فلاح، ۱۳۸۵)
۱۲	مالکیت	(چرخچیان، ۱۳۸۸)
۱۳	عوامل خاطره انگیز، پاتوق‌ها و محل‌های گردهمایی	(سرمست، متوسلی، ۱۳۸۹)
۱۴	قلمرو بندی	(شیعه، ۱۳۸۹)
۱۵	مشارکت در نگهداری از عرصه‌های عمومی	(فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰)
۱۶	فضای سبز	(داعی پور، ۱۳۹۳)
۱۷	تبدیل ملایم عرصه‌ها به یکدیگر	(متیو کارمونا، ۲۰۰۶)
۱۸	راحتی	(Khaef & Zebardast, 2015)
۱۹	چند عملکردی بودن عرصه‌های عمومی	(صدریان و دیگران، ۱۳۹۳)
۲۰	دوری و کم شدن شناخت در بین افراد	(کشفی و دیگران، ۱۳۹۱)

جدول ۳: عوامل منتخب دسته بندی شده نهایی

متغیرهای فردی (روانی)	متغیرهای محیطی (کالبدی)
× احساس امنیت	وضوح کالبدی ( قلمرو بندی و تفکیک عرصه‌های عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی، قابل رویت بودن عرصه‌های عمومی و مشخص کردن مسیرهای عبور سواره و پیاده، دسترسی‌ها و ورودی‌ها)
× احساس مالکیت و مسئولیت پذیری	چند عملکردی بودن عرصه‌های عمومی و شکل‌گیری حضور و تعامل در محیط
× احساس هویت و شناخت	حضور نمادها، نشانه‌های یادمانی (طبیعی، تاریخی، فرهنگی) حفظ و تقویت عوامل خاطره انگیز
× احساس رضایت و ادراکات مثبت	میلمان شهری فضای سبز و عناصر طبیعی محیطی

جدول ۴: چهارچوب نظری و نحوه ارتباط عوامل گوناگون

هدف نهایی	روانشناسی	معماری		
متغیر وابسته (تابع)	متغیرهای میانجی اثر گذار	عوامل مداخله گر		
افزایش حس تعلق	× احساس امنیت	۱ نظارت محیط	وضوح کالبدی (قلمرو بندی و تفکیک عرصه‌های عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی، قابل رویت بودن عرصه‌های عمومی و مشخص کردن مسیرهای عبور سواره و پیاده، دسترسی‌ها و ورودی‌ها).	
	× احساس مالکیت و مسئولیت پذیری	۲ عدالت در استفاده از عرصه‌های عمومی مجتمع توسط ساکنان	چند عملکردی بودن عرصه‌های عمومی و قابل استفاده بودن برای گروه‌های اجتماعی مختلف، اجتناب از هرگونه خصوصی سازی در فضاهای عمومی	
	× احساس هویت	۳ ایجاد تصویر ذهنی مثبت، تداعی معانی، شکل‌گیری خاطرات جمعی و هویت مندی	حضور نمادها و نشانه‌ها و یادمان‌ها (نمادهای تاریخی، نمادهای فرهنگی، نمادهای طبیعی)	
	× احساس رضایت و خشنودی	۴ بالا بردن کیفیت امکانات محله و حضور پذیری فضا و تعامل ساکنین	حفظ و تقویت عوامل خاطره انگیز (تقویت پانوق‌ها و محل‌های گردهمایی و فعالیت‌های جمعی در مجتمع)	
		۵	۵ مبلمان شهری مناسب	
		۶	۶ حضور فضای سبز و عناصر طبیعی محیط	

#### روش‌شناسی تحقیق

راهبرد این پژوهش در گردآوری داده‌ها توصیفی-تحلیلی است. در ابتدا داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و با هدف شناخت مولفه‌های موثر بر شکل‌گیری احساس تعلق به مکان گردآوری شد. سپس داده‌ها به وسیله مصاحبه نیمه ساختاریافته با تعدادی از متخصصین حوزه روانشناسی محیط و معماری دسته بندی و در ادامه به صورت میدانی در جامعه آماری متشکل از ساکنین مجتمع‌های مسکونی الغدیر، ابریشم و تک ماسوله مورد سنجش قرار گرفت. در تدوین پرسشنامه از مقیاس لیکرت استفاده شد و با توجه به نا محدود بودن جامعه، تعیین حجم بهینه نمونه بر اساس فرمول حجم بهینه کوکران محاسبه شده است که با در نظر گرفتن میزان اطمینان ۹۵٪ و خطای قابل قبول ۵٪، تعداد حجم نمونه برابر با ۳۸۴ نفر به دست آمد. ابتدا پرسشنامه در مرحله ی پیش آزمون، در اختیار ۳۰ نمونه قرار داده شد و سپس بر اساس داده‌های بدست آمده، آلفای کرونباخ محاسبه گردید که برابر با ۰/۸۱۶ بود که نمایانگر پایایی بالا در این پرسشنامه است. در نهایت، پرسشنامه ی اصلی با ۳۵ سؤال بین ۳۹۰ نمونه اجرا شد. پس از آن، تحلیل یافته‌ها به وسیله ی نرم افزار SPSS، به منظور استخراج مولفه‌های کالبدی تاثیر گذار بر افزایش احساس تعلق به مکان که می‌توانند در طراحی مورد استفاده قرار بگیرند؛ صورت گرفت.

#### ۱- معرفی متغیرها و شاخص‌ها

این پژوهش با هدف اصلی ارزیابی مولفه‌های تاثیر گذار در شکل‌گیری احساس تعلق به مکان در مجتمع‌های مسکونی شهر رشت (الغدیر، ابریشم و تک ماسوله) انجام گردید. در این راستا شش متغیر اصلی و به طور کلی ۲۹ شاخص گزینش شده و از طریق تکنیک پرسشنامه، میزان تاثیر هر یک از شاخص‌ها و متغیرهای مذکور در شکل‌گیری احساس تعلق به مکان در قلمرو مکانی پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفت. (جدول ۵)، متغیرها و شاخص‌های مورد بررسی را بیان می‌دارد.

#### ۳- معرفی مجتمع‌های مسکونی مورد پژوهش

این پژوهش به دنبال ارزیابی نقش عوامل کالبدی محیط خانه در شکل‌گیری احساس تعلق به مکان در ساکنین است. بر این اساس تحقیق به دنبال مجموعه ای بود که، دارای فضای جمعی سبز در سطوح عمومی و نیمه عمومی باشد؛ از حیث نظارت دارای مجموعه نگهبانی باشد و با توجه به فضای نمونه گیری دارای بیش از ۲۰۰ واحد مسکونی باشد؛ که ساکنین آن به طور دائم در مجموعه سکونت داشته باشند. همچنین تعداد بالای نمونه‌ها ایجاب می‌نمود تا چند مجموعه متفاوت را به عنوان نمونه موردی برگزید که، تلاش شد تا محدوده جغرافیایی مجموعه‌های منتخب به هم نزدیک باشد تا از حیث فرهنگی و اقتصادی خانواده‌ها در سطحی نزدیک به هم قرار داشته باشند.

جدول ۵: متغیرها و شاخص مورد بررسی در پژوهش.

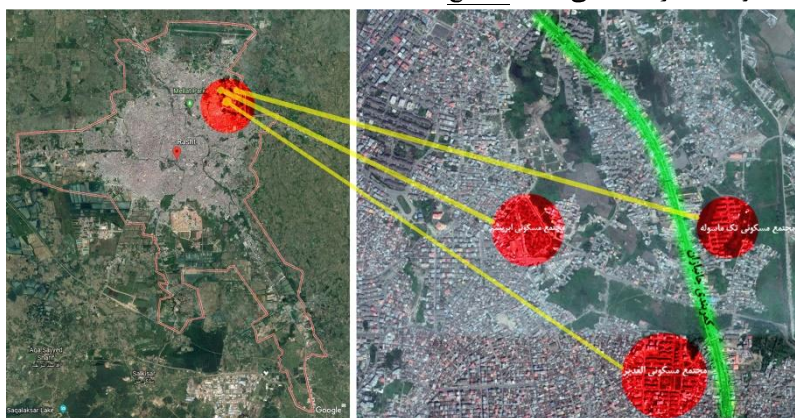
فضای سبز	مبلمان شهری	فضاهای خاطره انگیز	نماد، نشانه ها	تنوع عملکردی	وضوح کالبدی
فضای سبز / دیواره‌های سبز	آلاچیق‌ها و نشیمن‌های عمومی / مبلمان هایی جهت بازی و تفریح ساکنین	فضای خاطره انگیز و پاتوق/ فضا هایی برای گردهمایی و تعامل ساکنین/ حفظ عوامل خاطره انگیز/ ایجاد امکان تعامل ساکنین/ المان‌های فرهنگی و جمعی.	طراحی المان و یادمان / شکل دهی عوامل هویت بخش در طراحی نما/ طراحی سر در مجموعه بر اساس الگوهای سنتی و فرهنگی منطقه/ یادمان تاریخی و هویتی / نشانه‌های طبیعی	چند عملکردی بودن عرصه‌های عمومی/ عدالت در استفاده از عرصه‌های عمومی برای تمامی گروه‌های سنی/ اجتناب از خصوصی سازی عرصه‌های عمومی/ عدالت در استفاده از عرصه عمومی برای تمام ساکنین	تفکیک عرصه‌های عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی/ شفافیت عرصه‌های عمومی/ مکان یابی و شاخص سازی ورودی بلوک‌ها / تفکیک مسیر سواره و پیاده .

مسکونی ابریشم به صورت ۷ فاز شکل گرفته است و در هر فاز ۴ بلوک قرار دارد که دارای ۴ طبقه می‌باشد. در هر بلوک پارکینگ جمعی برای ساکنین در نظر گرفته شده است و برای کلیه فازها پارکی تحت همین عنوان در مرکز مجموعه واقع شده است؛ مجموع مسکونی تک ماسوله که ۴۴ واحدی بوده و در ۴ بلوک، ۴ طبقه شکل گرفته است؛ در هر بلوک پارکینگ اختصاصی برای ساکنین در نظر گرفته شده است. پوشش گیاهی و فضای سبزی محدود در داخل مجموعه برای ساکنین در نظر گرفته شده است.

### بحث و تحلیل یافته ها

به منظور اجرای تحلیل دقیق در این پژوهش، سوالات پژوهش در شش قسمت وضوح کالبدی، تنوع عملکردی، فضاهای خاطره انگیز، نماد و نشانه، مبلمان شهری و فضای سبز و فاکتورهای موثر در شکل‌گیری

برای این منظور و مطابق (شکل ۱) سه مجتمع مسکونی الغدیر، ابریشم و تک ماسوله در کمربندی خرمشهر واقع در شهر رشت انتخاب گردید. در هر کدام از نمونه‌های موردی تلاش شده تا ویژگی هایی چون: وضوح کالبدی، تنوع عملکردی، نمادها و نشانه‌ها، عناصر خاطره انگیز و تجمعی، مبلمان شهری و پوشش گیاهی مورد تبیین و بررسی قرار گیرد. بر این اساس مجموع مسکونی الغدیر ۵۰۰ واحدی بوده و دارای ۴ تیپ بلوک و در ۲، ۳ و ۴ طبقه طراحی گردیده است. فضاهایی چون زمین ورزشی، بخش تجاری کوچک و نگهبانی در این مجموعه استقرار دارند. فضای سبز آن نیز در میان بلوک‌ها شکل گرفته است. اغلب ساکنین دارای درآمد متوسط می‌باشد. پارکینگ مجموعه در خیابان اصلی آن بوده و پارکینگ اختصاصی برای هر واحد در نظر گرفته نشده است. فضای داخلی، حیاط و نمای بیرونی این مجتمع بسیار ساده و فاقد تزئینات می‌باشد. مجموع



تصویر ۱: تصویر هوایی از مکان قرار گیری مجموعه مسکونی الغدیر، ابریشم و تک ماسوله در شهر رشت. (google earth)

بر این اساس و در (جدول ۸) در رتبه بندی عوامل این تحقیق، استفاده از یادمان‌ها و نشانه‌های طبیعی، تاریخی و فرهنگی با میانگین ۴/۰۹، بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده است. طراحی عملکردهای متنوع در عرصه‌های عمومی با میانگین ۳/۹۸ در رتبه دوم قرار گرفته است. به همین ترتیب، عوامل خاطره انگیز با میانگین ۳/۸۴، وضوح کالبدی با میانگین ۳/۵۴ و فضای سبز با میانگین ۲/۹۱ در رتبه‌های بعدی قرار دارند و در نهایت نیز استفاده از مبلمان شهری در عرصه‌های عمومی و نیمه عمومی مجموعه با میانگین ۲/۶۳ در پایین ترین رتبه در میان عوامل تاثیر گذار در شکل‌گیری احساس تعلق به مکان قرار دارند.

جدول ۸: رتبه بندی عوامل تاثیر گذار در شکل‌گیری

احساس تعلق به مکان		
رتبه	میانگین	عوامل
اول	۴/۰۹	نماد، نشانه و یادمان
دوم	۳/۹۸	چند عملکردی بودن فضاها
سوم	۳/۸۴	عوامل خاطره انگیز
چهارم	۳/۵۴	وضوح کالبدی
پنجم	۲/۹۱	فضای سبز
ششم	۲/۶۳	مبلمان شهری

در (جدول ۹) واریانس عوامل نشان می‌دهد که عوامل طراحی نماد، یادمان ۴۹/۰۱۲ در صد واریانس را تبیین می‌کند و عامل چند عملکردی نمودن فضاهای عمومی ۱۴/۸۴۴ درصد واریانس و عوامل خاطره انگیز ۱۳/۴۲۸ درصد واریانس و وضوح کالبدی ۷/۶۷۴ درصد واریانس و فضای سبز نیز ۵/۸۱۰ درصد واریانس و در نهایت مبلمان شهری ۴/۹۱۵ درصد واریانس را تبیین می‌نماید.

جدول ۹: سهم مولفه‌های موثر در شکل‌گیری

احساس تعلق در تحلیل عامل تاییدی		
عوامل	مجموع	واریانس
نماد، نشانه و یادمان	۳/۴۳۱	۴۹/۰۱۲
چند عملکردی بودن فضاها	۱۰/۳۹	۱۴/۸۴۴
عوامل خاطره انگیز	۰/۹۴۰	۱۳/۴۲۸
وضوح کالبدی	۰/۵۳۷	۷/۶۷۴
فضای سبز	۰/۴۰۷	۵/۸۱۰
مبلمان شهری	۰/۳۴۴	۴/۹۱۵

احساس تعلق به مکان دسته بندی شده اند. بدین نحو که از ساکنین خواسته شد تا نظر خود را در ارتباط با استفاده از المان‌های هویتی در سطح مجموعه و تاثیر گذاری آن بیان دارند. همچنین در ارتباط با فضاهای جمعی تعاملی برای فعالیت مشترک ساکنین از افراد نظر خواهی شد؛ نحوه طراحی مبلمان شهری، مکان قرار گیری آن، نور پردازی مجموعه و شکل‌گیری فضای سبز نیز از دیگر جنبه‌های این پرسشنامه می‌باشد.

تحلیل مولفه‌های تاثیر گذار بر شکل‌گیری احساس

تعلق به مکان

با توجه به تعداد زیاد متغیرها و به دنبال بررسی میزان معنا داری و تاثیر گذاری هر فاکتور به تفکیک در شکل‌گیری احساسی تعلق به مکان در مجتمع‌های مسکونی و کشف ارتباط و همبستگی میان عوامل به تحلیل بار عاملی پرداخته شد. بر طبق (جدول ۶) میزان بار عاملی همه عوامل بالاتر از ۰/۳ است و این نشان می‌دهد که ابزار اندازه گیری و گویه‌های مناسب انتخاب شده و مدل دارای بار ارزشی خوبی است.

جدول ۶: میزان اشتراک عوامل

عوامل	بار عاملی
وضوح کالبدی	۰/۵۴۳
چند عملکردی بودن فضاها	۰/۵۵۶
نماد، نشانه و یادمان	۰/۶۳۳
عوامل خاطره انگیز	۰/۷۱۱
مبلمان شهری	۰/۷۱۲
فضای سبز	۰/۶۱۸
فاکتورهای موثر بر حس تعلق	۰/۶۹۸

بر این اساس و به کمک آزمون فریدمن به اولویت بندی و رتبه بندی متغیرهای موثر در شکل‌گیری احساس تعلق به مکان پرداخته شده است. داده‌ها براساس بیشترین تاثیر بر متغیر وابسته (افزایش احساس تعلق به مکان) رتبه بندی شده است. در (جدول ۷) کای اسکور نشان دهنده ارزش بالای داده‌ها است.

جدول ۷: معناداری فریدمن برای متغیرهای مستقل

تعداد	کای اسکور
۳۹۰	۲۱۸/۵۳۵
درجه آزادی	۵
سطح معنا داری	۰/۰۰۰



## جمع بندی تحلیل همبستگی میان عوامل موثر بر

## شکل گیری احساس تعلق به مکان

در این مرحله پژوهش به دنبال آن است تا رابطه هم بستگی میان مولفه های وضوح کالبدی، عملکردهای متنوع در عرصه های عمومی، فضاهای خاطره انگیز، نماد و نشانه، مبلمان شهری و فضای سبز و عوامل موثر در شکل گیری احساس تعلق در مجتمع های مسکونی تحلیل و بررسی گردد. (جدول ۱۰) نتایج حاصل از این آزمون ها را نشان می دهد.

جدول ۱۰: رابطه میان مولفه های کالبدی و شکل گیری احساس تعلق در مجتمع های مسکونی مورد مطالعه

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
وضوح کالبدی	۰/۰۸۴	۰/۰۵
عملکردهای متنوع	۰/۱۱۹	۰/۰۰۹
نماد، نشانه و المان	۰/۰۱۳	۰/۴
فضاهای خاطره انگیز	۰/۱۹۳	۰/۰۰
مبلمان شهری	۰/۰۸۴	۰/۰۵
فضای سبز	۰/۰۸۷	۰/۰۴۴

آنچه از نتایج پیمایش صورت گرفته بر طبق (جدول ۱۰) حادث می گردد این است که میان متغیر وابسته احساس تعلق به مکان و متغیرهای مستقل رابطه معنا داری وجود دارد. داده ها حاکی از آن دارد که افراد ساکن در مجموعه های مسکونی، ویژگی های وضوح کالبدی، عملکردهای متنوع، فضاهای خاطره انگیز، مبلمان شهری و فضای سبز را در شکل گیری علاقه و احساس تعلق به مکان موثر می دانند. این امر موید آن است که مولفه های بیان شده سبب شکل گیری تصویر ذهنی بهتر ساکنین از مجموعه مسکونی خود می گردد؛ لیکن، ویژگی استفاده از نماد، نشانه و المان های شهری با شکل گیری احساس تعلق به مکان رابطه معنا داری ندارد؛ بر این اساس این ویژگی نتوانسته است میزان احساس تعلق به خانه را در ساکنین مجموعه های مسکونی برآورده سازد.

بدین ترتیب، مولفه وضوح کالبدی که سبب شکل گیری شفافیت در فضا، خوانایی آن، تفکیک عرصه های عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی است و به علاوه باعث شکل گیری احساس امنیت در مجموعه است؛ دارای هم بستگی ۰/۰۸۴ و سطح معنا داری کمتر از ۰/۰۵ است؛ که نمایانگر معنا داری آن می باشد. بر این اساس هم بستگی مستقیم میان وضوح کالبدی و افزایش احساس تعلق به مکان وجود

دارد. در زمینه استفاده از عملکردهای متنوع در عرصه های عمومی و شکل گیری احساس تعلق به مکان نیز ضریب هم بستگی ۰/۱۱۹ است و سطح معنا داری کمتر از ۰/۰۵ می باشد. بنابراین تنوع در کاربری عرصه های عمومی، عدالت در استفاده از عرصه های عمومی، امکان استفاده از عرصه های عمومی برای تمام رده های سنی و ... سبب افزایش احساس تعلق به مکان در مجتمع های مسکونی می گردد. آزمون هم بستگی میان فضاهای خاطره انگیز و احساس تعلق به مکان در مجتمع های مسکونی مورد مطالعه نشان می دهد که ضریب هم بستگی ۰/۱۹۳ است و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین هم بستگی مستقیم میان شکل گیری احساس تعلق و فضاهای خاطره انگیز در مجموعه وجود دارد. بر این اساس هرچه فضا هایی در جهت تعامل و شکل گیری گردهمایی و برقراری ارتباط ساکنین در پاتوق های فرهنگی درون مجموعه بیشتر شکل گیرند به همان میزان احساس تعلق به مکان در مجموعه افزایش می یابد. داده ها نشان می دهند که میان مبلمان شهری و احساس تعلق به مکان در مجتمع های مسکونی مورد مطالعه ضریب هم بستگی ۰/۰۸۴ وجود دارد و سطح معنا داری آن کمتر از ۰/۰۵ است. معنا داری این ارتباط بیان می دارد که استفاده از مبلمان شهری در عرصه های عمومی برای استراحت ساکنین، تعامل آنها و بازی کودکان در فضای عمومی و توجه به نورپردازی عرصه های عمومی در شکل گیری احساس تعلق به مکان تاثیر گذار است. آزمون هم بستگی میان فضای سبز و احساس تعلق به مکان در مجتمع های مسکونی مورد مطالعه، نشان می دهد که ضریب هم بستگی ۰/۰۸۷ است و سطح معنا داری کمتر از ۰/۰۵ می باشد. بنابراین هم بستگی مستقیم میان فضای سبز و شکل گیری احساس تعلق به مکان وجود دارد. در نهایت داده ها حاکی از آن است که ساکنین مجموعه های مسکونی مورد مطالعه خواهان در نظر گرفتن ویژگی های کالبدی همچون: فضای سبز و پوشش گیاهی، مبلمان شهری، فضاهای خاطره انگیز جهت تعامل و گردهمایی، تنوع کالبدی، عدالت در بهره برداری از عرصه های عمومی و وضوح کالبدی در طراحی مجموعه های مسکونی است.

## نتیجه گیری

تلقی ساکنین از یک مکان خوب و اشارات آنان به عناصر تشکیل دهنده یک مکان، ارتباط مستقیمی با نیازهای عینی و ذهنی افراد دارد که متناسب با این



منطقه و وضعیت فرهنگی و اجتماعی منطقه مسکونی و مطابق با اصول شهری و معماری انجام داد.

۴) باید طراحی نماد و نشانه و المان تاریخی، فرهنگی و طبیعی را در برنامه ریزی شهری و معماری در نظر گرفت تا شکل‌گیری و تقویت احساس تعلق به مکان در سطح شهری نیز گسترش و افزایش یابد.

۵) به منظور افزایش وضوح کالبدی باید به راهکارهایی مانند: تفکیک عرصه‌های عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی، شفافیت عرصه‌های عمومی، تفکیک مسیر سواره و پیاده، شاخص سازی ورودی بلوک‌ها و هماهنگی در طراحی نمای بلوک‌ها توجه نمود.

۶) به منظور افزایش عملکرد متنوع در عرصه‌های عمومی باید به راهکارهایی مانند: عدالت در بهره برداری از عرصه‌های عمومی، امکان استفاده از عرصه‌های عمومی برای همه رده‌های سنی، اجتناب از خصوصی سازی در عرصه‌های عمومی و شکل‌گیری عملکرد متنوع فرهنگی، ورزشی و تجاری در عرصه عمومی توجه نمود.

۷) به منظور افزایش فضاهای خاطره انگیز جمعی باید به راهکارهایی مانند: طراحی پاتوق و فضاهایی جهت تعامل ساکنین، حفظ عوامل خاطره انگیز موجود در سایت، طراحی المان‌هایی فرهنگی و اختصاص فضاهای جمعی برای نشستن و گفت‌وگو ساکنین توجه نمود.

۸) به منظور افزایش نماد و نشانه‌های فرهنگی، سنتی و طبیعی باید به راهکارهایی مانند: یادمان‌های فرهنگی و سنتی، توجه به نشانه‌های طبیعی، بهره مندی از نشانه‌ها در طراحی نمای مجموعه و سر در آن توجه نمود.

۹) به منظور افزایش مبلمان‌های شهری باید به راهکارهایی مانند: آلاچیق‌ها، فضای بازی کودکان، فضای استراحت والدین و نورپردازی مجموعه توجه نمود.

۱۰) به منظور افزایش فضاهای سبز باید به راهکارهایی مانند: پوشش گیاهی مجموعه، دیوارهای سبز، پیاده راه‌های سبز و استفاده از عناصر طبیعی (گیاهان و آب) توجه نمود.

پیش از این نیز محققین بر اهمیت عناصر کالبدی در شکل‌گیری احساس تعلق به مکان تاکید داشته‌اند. بنابراین با مد نظر قرار دادن الگوهایی مناسب از مجموعه‌های مسکونی و با در نظر گرفتن ویژگی‌هایی

نیازها، هر عنصر را مناسب فضایی خاص می‌دانند. بر این اساس محیط و عوامل شکل دهنده آن در کالبد محیط عوامل مهم در شکل‌گیری احساس تعلق به مکان می‌باشند. با در نظر گرفتن اهمیت تاثیر گذاری محیط کالبدی بر کیفیت زندگی انسان‌ها و تاثیر گذاری مفهوم حس تعلق به مکان بر کیفیت محیط انسان ساخت؛ در این پژوهش به بررسی مولفه‌های کالبدی احساس تعلق به مکان در ۳ مجتمع مسکونی الغدیر، ابریشم و تک ماسوله، در شهر رشت و کشف فاکتورهای موثر در شکل‌گیری احساس تعلق به مکان پرداخته شد. سنجش رابطه همبستگی میان هر یک از عوامل وضوح کالبدی، عملکرد متنوع، فضاهای خاطره انگیز، نماد، نشانه و یادمان، مبلمان شهری، فضای سبز و مولفه‌های موثر در شکل‌گیری احساس تعلق به مکان در مجتمع مسکونی مورد مطالعه، نشان داد که افزایش احساس تعلق به مکان با هر یک از عوامل مذکور دارای ارتباط مستقیم و معنا دار است لیکن استفاده از نماد و نشانه‌های فرهنگی، سنتی و طبیعی با شکل‌گیری احساس تعلق به مکان در نظر ساکنین مجموعه‌های مورد مطالعه رابطه معنا داری ندارد؛ بر این اساس این ویژگی نتوانسته است میزان احساس تعلق به خانه را در ساکنین مجموعه‌های مسکونی برآورده سازد. براساس داده‌های بدست آمده پیشنهاد می‌گردد تا:

۱) مؤلفه‌های کالبدی شامل وضوح کالبدی، تنوع عملکردی در عرصه عمومی، فضاهای خاطره انگیز جمعی، نماد، نشانه فرهنگی، طبیعی و سنتی، مبلمان شهری و فضای سبز در طراحی معماری مورد توجه قرار گیرند تا دستیابی به محیط کالبدی دارای احساس تعلق به مکان حاصل شود.

۲) از طرفی دیگر طراحی معماری مناسب در عوامل روانی نیز موثر است به این معنی که با استفاده از طراحی معماری و عوامل کالبدی مناسب مانند: وضوح کالبدی، عملکرد متنوع، المان، یادمان، فضاهای تعامل و خاطره انگیز، مبلمان شهری و پوشش گیاهی می‌توان باعث شکل‌گیری احساس امنیت، هویت، مالکیت و رضایت در ساکنین شد و از این طریق در عوامل روانی موثر در شکل‌گیری احساس تعلق نیز نقش داشت.

۳) باید وضوح کالبدی، عملکرد متنوع در عرصه عمومی، طراحی نماد، نشانه، یادمان تاریخی، فرهنگی و طبیعی، فضاهای جمعی و خاطره انگیز، مبلمان شهری و پوشش گیاهی را متناسب با نیاز

رایپورت، آموس (۱۳۹۲). انسان شناسی مسکن (خسرو  
افضلیان: مترجم). مشهد: کتابکده کسری.

رفیعیان، مجتبی؛ مولودی، منوچهر (۱۳۹۰). رویکردها  
و روش‌های سنجش کیفیت محیط مسکونی شهری.  
تهران: آذرخش.

رفیعیان، مجتبی؛ تقوایی، علی اکبر؛ خادمی، مسعود؛  
علی پور، روجا (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی رویکردهای  
سنجش کیفیت در طراحی فضاهای عمومی شهری.  
نشریه علمی و پژوهشی، شماره ۴، بهار و تابستان،  
صص ۳۵-۴۳.

زبردست، اسفندیار؛ بنی عامریان مهسا (۱۳۸۹). بررسی  
ارتباط میان شاخص‌های عینی و ذهنی بعد خدمات  
عمومی کیفیت زندگی شهری در شهر جدید هشتگرد.  
نامه معماری و شهرسازی، دوره ۲، شماره ۳، صص  
۵-۲۲.

سرمست، بهرام؛ متوسلی محمد مهدی (۱۳۸۹). بررسی  
و تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق به  
مکان «نمونه موردی شهر تهران». مدیریت شهری،  
شماره ۲۶، صص ۱۳۳-۱۴۶.

شبیعه، اسماعیل؛ طباطبائی، سید هادی (۱۳۸۹).  
مقایسه نقش عوامل عوامل هویت بخش اجتماعی در  
محل‌های مسکونی قدیم و جدید، همایش ملی  
معماری و شهر سازی ایران.

صافیان، محمد جواد و دیگران (۱۳۹۰). بررسی پدیدار  
شناختی هرمنوتیک نسبت به مکان با هنر معماری.  
نشریه پژوهش‌های فلسفی دانشگاه تبریز، شماره ۸،  
بهار و تابستان، صص ۱۲۹-۹۳.

صدریان، زهرا؛ حسینی، سید باقر؛ نوروزیان ملکی،  
سعید (۱۳۹۳). ارتقاء حس تعلق به مکان از طریق  
نوسازی بافت فرسوده با توجه به فضای واسط (نمونه  
موردی: محله باغ شاطر تهران). نشریه علمی پژوهشی  
انجمن علمی معماری و شهرسازی، شماره ۷، بهار و  
تابستان، صص ۳۵-۴۴.

فروزنده جوان، علی؛ مطلبی، قاسم (۱۳۹۰). مفهوم  
حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن. هویت  
شهر، دوره ۵، شماره ۸، صص ۲۷-۳۸.

فلاح، محمد صادق (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و  
عوامل تشکیل دهنده آن. مجله هنرهای زیبا، شماره  
۲۶، تابستان، صص ۵۷-۶۶.

قاسمی، مروارید (۱۳۹۴). اهل کجا هستیم؟ (مریم  
مقدم: ویراستار). تهران: روزنه.

چون: مبلمان شهری، پوشش گیاهی، وضوح کالبدی،  
فضاهای خاطره انگیز جمعی، تنوع کالبدی و نماد و  
نشانه‌های فرهنگی می‌توان به طراحی مجموعه‌هایی  
دست یافت که به نیازهای ساکنین و پاسخگویی به آنها  
نزدیک گردد. به این طریق ساکنین مجموعه‌های  
مسکونی بتوانند در خانه‌هایی زندگی کنند که سرشار از  
احساس تعلق کالبدی نسبت به مکان زندگی شان باشد.

## منابع و مأخذ

احمدی، علی؛ مهدوی، مسعود (۱۳۹۳). رابطه کیفیت و  
حس تعلق مکانی در روستاهای در حال توسعه مطالعه  
موردی شهرستان زرنديه. پژوهش‌های روستایی، دوره  
۵، شماره ۴، زمستان، صص ۸۴۸-۸۲۷.

بهرام پور، عطیه؛ مدیری، آتوسا (۱۳۹۴). مطالعه رابطه  
میان رضایتمندی ساکنان از محیط زندگی و میزان  
حس تعلق آنها در مجتمع مسکونی بلند مرتبه شهرک  
کوثر تهران. نشریه هنرهای زیبا، دوره ۲۰، شماره ۳،  
صص ۸۵-۹۴.

پاکزاد، جهان‌شاه؛ گلرخ، شمین (۱۳۹۴). فهم تجربه  
تغییر یکباره مکان؛ حس مکان ساکنان و کسبه  
خیابان پیاده راه شده ۱۷ شهریور تهران. صفا، سال  
۲۵، شماره ۷۰، پاییز، صص ۶۵-۷۰.

چرخچیان، مریم (۱۳۸۸). بررسی تحلیل عوامل موثر  
بر دل‌بستگی به فضاهای عمومی شهری. پایان‌نامه  
دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی،  
دانشگاه علم و صنعت ایران.

حیدری، علی اکبر؛ مطلبی، قاسم؛ فروغ، نگین تاجی  
(۱۳۹۳). تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان در  
خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی امروزی. مجله  
هنرهای زیبا، شماره ۳، پاییز، صص ۷۵-۸۶.

خدادادی، علی؛ محمدرضا، شریف زاده (۱۳۹۵). بررسی  
کیچ از منظر زیبایی‌شناسی و تاثیر این پدیده بر  
حس تعلق به مکان با معرفی نمونه موردی در  
معماری معاصر ایران (هتل بزرگ داریوش). کیمیای  
هنر، سال پنجم، شماره ۲۰، پاییز، صص ۷۴-۵۹.

داعی پور، زینب (۱۳۹۳). رابطه حضور طبیعت و  
افزایش حس تعلق در خانه‌های سنتی ایران. باغ نظر،  
شماره ۳۰، سال ۱۱، پاییز، صص ۴۹-۵۸.

دویران، اسماعیل؛ کریمی نژاد، ملیحه (۱۳۹۰). هویت و  
حس تعلق مکانی در فضاهای عمومی جدیدالاحداث  
شهری. هویت شهر، شماره ۱۸، سال ۸، تابستان، صص  
۸۱-۹۲.

- Bricker, K. S., & Kerstetter, D. L. (2005). Level of specialisation and place attachment: An exploratory study of whitewater recreationists. *Leisure Sciences*, 22, pp. 233-257.
- Carmona, Mathew, (2006), public places, urban spaces, Architectural press, Elsevier, oxford.
- English Partner Ships, (2007), Quality standards – delivering quality places: places-homes-people, available at: [www.englishpartnerships.co.uk](http://www.englishpartnerships.co.uk), (sep, 2014).
- Ge, j & Hakao, k, (2006), Research on Residential Lifestyles in Japanese Cities from the viewpoints of Residential Preference, Residential Choice and Residential Satisfaction, *Landscape Urban plan*, 78(3), pp. 165-178.
- Gustafson, per, (2001), Meaning of place: every day experience and theoretical conceptualization, *journal of environment psychology*, no 21, pp 5-16.
- Hernandez, B., Hidalgo, M. C., & Ruiz, C. (2013). Theoretical and methodological aspects of research on place attachment. In L. Manzo, & P. Devine-Wright (Eds.), *Place attachment: Advances in theory, methods and applications*. London: Routledge.
- <https://earth.google.com/web/@37.29554582,49.62312936,7.85299106a,4152.04961213d,35y,0h,0t,0r/data=CkoaSBJACiUweDNmZjU2MjBkNDNmMTU2NzU6MHg0MWRkNDBmOTkzMWNmYmY2GavaJPVUokJAleJnbWRoy0hAKgVSYXNodBgBIAEoAg>
- Gustafson, per, (2001), Meaning of place: every day experience and theoretical conceptualization, *journal of environment psychology*, no 21, pp 5-16.
- Khaf, S & Zebardast, E, (2015), Assessing quality of life dimensions in deteriorated inner areas: a case from Javadieh neighborhood in Tehran metropolis, open access. In: *Social indicators research*, (2015) IN PRESS.
- Kyle, G., Graefe, A., & Manning, R. (2005). Testing the dimensionality of place attachment in recreational settings. *Environment and Behaviour*, 37, pp. 153-177.
- Lewicka M(2011). Place attachment: How far have we come in the last 40 years?, *Journal of Environmental Psychology*, No. 3, Vol. 31, pp. 207-230.
- Nik Mohammad, N; Saruwono, M; Said, S; Ahmad, W; Wan Hariri, H, (2013), A Sense of Place within the Landscape in Cultural کاشی، حسین؛ بنیادی، ناصر (۱۳۹۲). تبیین مدل هویت مکان-حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن. *نشریه هنرهای زیبا*، دوره ۱۸، شماره ۳، پاییز، صص ۴۳-۵۲.
- کشفی، محمدعلی؛ حسینی، سیدباقر؛ نوروزیان ملکی، سعید (۱۳۹۱). نقش فضاهای عمومی ساختمان‌های مسکونی بلندمرتبه در افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین پژوهش موردی: برج بین‌المللی تهران. *مدیریت شهری*، دوره ۱۰، شماره ۳۰، صص ۷-۱۸.
- لک، آزاده؛ غلامپور، اشکان (۱۳۹۳). درک معنای "حس مکان" در بازسازی مسکونی بم (نمونه موردی: مجموعه مسکونی نرگس). *مسکن و محیط روستا*، شماره ۱۴۹، بهار، صص ۳۷-۵۰.
- لینچ، کوین (۱۳۷۶)، "تئوری شکل خوب شهر"، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران. ملکی، محمدرضا؛ پارسا، سپیده؛ وثیق، بهزاد؛ مرادی، ابراهیم (۱۳۹۱). بررسی حس تعلق به مکان با توجه به تفاوت‌های جنسیتی (مطالعه موردی: شهر ایلام). *مسکن و محیط روستا*، شماره ۱۴۸، زمستان، صص ۹۹-۱۰۷.
- مهردوی نژاد، محمد جواد؛ پورفتح‌الله، مائده (۱۳۹۴). فناوری‌های جدید نورپردازی و ارتقای حس تعلق شهروندان (مطالعه موردی: بدنه‌های شهری تهران). *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، دوره ۴۷، شماره ۱، بهار، صص ۱۴۱-۱۳۱.
- نقره کار، عبدالحمید؛ مظفر، فرهنگ؛ تقدیر، سمانه (۱۳۹۳). بررسی قابلیت‌های فضای معماری برای ایجاد بستر پاسخگویی به نیازهای انسان از منظر اسلام مطالعه موردی خانه‌های زینت‌الملک شیراز و بروجرودی‌های کاشان. *شهر ایرانی اسلامی*، شماره ۱۵، بهار، صص ۲۱-۳۴.
- نقی زاده، محمد؛ محتشم امیری، سعیده (۱۳۹۴). عصبیت مولفه ای اصلی در ایجاد حس تعلق و مطلوبیت فضای زیستی از دیدگاه ابن خلدون. *شهر ایرانی اسلامی*.
- نیومن، اسکار (۱۳۸۷). *خلق فضای قابل دفاع*. ترجمه: فائزه رواقی، کاوه صابر، انتشارات طحان، تهران.
- Anton, E. C., & Lawrence, C. (2014). Home is where the heart is: The effect of place of residence on place attachment and community participation. *Journal of Environmental Psychology*, 40, pp. 451-461.

Settings, Social and Behavioral sciences, 105, pp. 506-512.

Relf, Edward, (1976), Place and placelessness, Pion, London.

Ujang, N, (2010), Place attachment and continuity of urban place identity, Asian Journal of environment Behavior studies, 11, pp. 41-74.

#### یادداشت‌ها

---

- <sup>1</sup> Relf
- <sup>2</sup> Heidegger
- <sup>3</sup> Lynch
- <sup>4</sup> Rappaport
- <sup>5</sup> Gustafson